

ریسک تصمیم‌های خلق‌الساعه در بورس

با انتشار آمار رسمی بورس دیگر جای هیچ شک و شبهه‌ای در مورد وقوع رکود بی‌سابقه در بازار سرمایه باقی نمانده است.



با انتشار آمار رسمی بورس دیگر جای هیچ شک و شبهه‌ای در مورد وقوع رکود بی‌سابقه در بازار سرمایه باقی نمانده است. آمارهای رسمی از کاهش 14 درصدی ارزش مبادلات، نزول 23 درصدی حجم دادوستدها و افت 36 تا 38 درصدی ارزش و حجم مبادلات خرد و بلوک حکایت دارد.

در کنار اینها باید از افت هزار واحدی شاخص عملکرد بورس در یک ماه گذشته و سقوط 4 میلیارد دلاری ارزش بازار سهام ظرف 40 روز اخیر یاد کرد. در مورد دلایل سقوط ناگهانی بازار سرمایه بسیار سخن گفته شده، همه کارشناسان متفق‌القول هستند؛ مجموعه‌ای از عوامل برون‌زا و درون‌زا و افزایش ریسک‌های سیستماتیک و غیرسیستماتیک، موجبات فروافتادن بورس تهران را به ورطه رکودی چنین دامنه‌دار فراهم آورده است. اما در کنار این عوامل جا دارد به نکته‌ای تازه اشاره شود؛ نکته‌ای که در طول سال‌های گذشته در مقاطع مختلف لطمه‌های جدی به بازار سرمایه وارد کرده است.

قدیمی‌های بازار سرمایه تأثیر تصمیمات خلق‌الساعه دبیر کل وقت بورس را در تابستان سال 82 که منجر به تشکیل حباب‌های قیمت و نزول شدید بازار در سال 84 شد، از یاد نبرده‌اند و تازه‌کارها به خوبی می‌دانند حرکت بدون ترمز بازار در سال 89 و کاهش اعتبار بازار در پی عرضه بانک آریا، عرضه نشدن اوراق مشارکت آبی و کاهش شاخص صندوق‌ها، چه تأثیری بر روند کنونی داشته، واقعیت این است که علاوه بر همه مخاطرات موجود در بورس‌های جهان، داستان ریسک تصمیم‌های مدیران ناظر بر بازار سرمایه برای فعالان این عرصه، ماجرای تازه‌ای نیست.

مسئولان بورس در 40 روز گذشته در حالی که به لطایف‌الحیل، تن به توقف نماد بانک‌ها نداده‌اند، همزمان نماد سهام شرکت‌های معدنی و سنگ آهنی را متوقف کرده‌اند. آیا بر این رفتار دلخواه و غیرقابل تعریف، در چارچوب ضوابط و دستورالعمل‌های روشن، می‌توان نامی جز ریسک تصمیم‌های خلق‌الساعه مدیران ناظر بر بازار نهاد؟ در کمال تأسف، به نظر می‌رسد این بار هم در جریان رکود پاییزی بورس، این ریسک نقش محوری داشته و متهم ردیف اول است.